

از قرارداد ترکمانچای تا قرارداد ۱۹۱۹

۱۰ آبان ۱۳۹۴ ساعت ۱۹:۴۰

دخالت‌های انگلیسی‌ها در امور ایران پر دامنه و دارای نوسان زیادی است. آنان تلاش می‌کردند از جزئی‌ترین امور گرفته تا مسائل اساسی و حیاتی کشور اعمال نفوذ و دخالت نمایند. در این میان دخالت در امر حکومت و حکومتگری در ایران از جمله دخالت‌های حیاتی و اساسی انگلیسی‌ها محسوب می‌شود.

در دوران معاصر ایران، نظر به موقعیت استراتژیک فوق‌العاده و دارا بودن ذخایر عظیم زیر زمینی، در سیاست خارجی انگلستان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. انگلیسی‌ها ایران را به مثابه دروازه‌ای تلقی می‌کردند که اگر مورد حراست قرار نگیرد، مستعمره زرخیزشان، هندوستان، به خطر خواهد افتاد. علاوه بر این، منابع عظیم زیر زمینی، بویژه ذخایر نفت جنوب بر اهمیت ایران در سیاست‌های استعماری بریتانیا می‌افزود. از این روی سردمداران دستگاه دیپلماسی انگلستان همواره تلاش می‌نمودند تا از هر طریق ممکن نفوذ خویش بر ایران را حفظ نمایند.

اهمیت ویژه ایران برای انگلستان به دلیل ضعف دیپلماسی و ناآگاهی حکومتگران ایرانی نه تنها در قالب امتیازگیری ایران از انگلیس جلوه نکرد، بلکه بالعکس، این انگلیسی‌ها بودند که با اخذ امتیازات و اعمال دخالت‌ها ضمن حفظ منافع موجود منفعت‌های تازه‌ای نیز نصیب خود می‌ساختند. سردمداران این دولت استعمارگر دریافته بودند که دخالت بیشتر در امور ایران و کسب امتیازات فزون تر بهترین شیوه برای تأمین منافع آنان است. لذا تاریخ معاصر ایران همواره شاهد اخذ امتیازات ذیقیمت و دخالت‌های گسترده انگلستان در امور ایران است.^۱

دخالت‌های انگلیسی‌ها در امور ایران پر دامنه و دارای نوسان زیادی است. آنان تلاش می‌کردند از جزئی‌ترین امور گرفته تا مسائل اساسی و حیاتی کشور اعمال نفوذ و دخالت نمایند. در این میان دخالت در امر حکومت و حکومتگری در ایران از جمله دخالت‌های حیاتی و اساسی انگلیسی‌ها محسوب می‌شود.

نا گفته نماند تلاش انگلستان و دخالت های عناصر این دولت در امور ایران و بویژه امر حکومت کاملاً تحت تاثیر فعالیت های رقیب دیرینه شان روسیه قرار داشت و در این میان کسب امتیاز های فوق العاده و حساس و حیاتی از سوی روسها که از رهگذر دو قرارداد گلستان و ترکمانچای عاید آنان شده و علاوه بر به دست دادن امتیازات فراوان آینده حکومتی ایران را در اختیار روس ها قرار داده بود تکاپوی انگلیسیها را مضاعف می ساخت. بنابراین پس از انعقاد قراردادهای فوق الذکر، استعمار پیر هیچگاه از تلاش و تکاپو بازنیستاد و از پای نشست، چرا که از پای نشستن برای سیاست خارجی بریتانیا نه مطلوب بود و نه ممکن. کارگزاران سیاست خارجی انگلستان منتظر فرصتی مغتنم بودند تا اینکه روند رخدادها و البته تیز چنگی ایشان آن فرصت مغتنم را فراهم کرد؛ جنبش عدالتخواهانه مردم ایران که از مدتها پیش آغاز شده بود در برهه‌ای از زمان دچار اشتباه شد و عده‌ای از معترضین به دلایل مختلف سر از سفارت انگلستان در تهران در آوردند. بنابراین عناصر انگلیسی با نفوذ در میان

مشروطه‌خواهان توانستند جایگاه مسلط روسیه در حکومت و حاکمیت ایران را به چالش طلبیده و وضعیت خود را بهبود ببخشند.

1

پس از مشروطه و با وقوع جنگ اول جهانی شرایط داخلی و بین المللی ایران تغییری محسوس یافت. تحولاتی که متعاقب جنگ خانمانسوز اول جهانی در صحنه بین الملل و نیز در داخل ایران روی داد، باعث شد تغییر و تحولی عمده در سیاست خارجی بریتانیا در مورد ایران پدید آید. تو ضیح اینکه از یک سو در جریان جنگ جهانی اول خسارات و لطمات فراوانی عاید انگلستان شده و این کشور در نگهداری نیروهای نظامی در ایران دچار مشکل شده بود و از سوی دیگر برای استعمار انگلستان مطلوب نبود که منطقه ای حساس چون ایران را در برابر تهدید بالقوه روس‌های بلشویک رها نماید. آنها از پیشروی همسایه قدرتمند شمالی ایران به شدت نگران بودند. این پیشروی ضمن اینکه منابع عظیم و سرشار نفت جنوب را تهدید می‌کرد تهدیدی ویژه برای مستعمره زرخیز انگلستان یعنی هند محسوب می‌شد. در این شرایط لرد کرزن که تسلطی خاص بر امور ایران و مسائل مربوط به خاورمیانه داشت طرحی ریخت که از طریق آن منافع انگلستان با هزینه ایران حفظ می‌شد که ذیل به تشریح آن پرداخته خواهد شد.^۱

انگلیسی ها پس از ناامیدی از امکان موفقیت رژیم قیومیت در ایران راه هایی را آزموده و نظرات متعددی را مطرح ساختند. از

جمله نظرات مطرح شده ایده‌های بود که از سوی لرد کرزن ارائه گردید. کرزن که با مسائل ایران و خاورمیانه آشنایی کامل داشت، ایجاد نظام مستشاری را پیشنهاد نمود. (۱) نظام مستشاری که تحت عناوین دیگری نظیر "رژیم تحت‌الحماگی" یا "سلطه نامریی" از آن یاد می‌شود، قبلاً توسط انگلیسی‌ها در مصر با موفقیت ایجاد شده بود.

برای فراهم سازی زمینه استقرار نظام مستشاری در ایران، وزارت خارجه بریتانیا تصمیم گرفت مارلینگ، وزیر مختار وقت بریتانیا در تهران را از ایران احضار و سرپرسی کاکس، نظامی و سیاستمدار با تجربه انگلیسی را روانه تهران کند. کاکس در کسوت وزیر مختار، به هر گونه مداخله‌ای در امور داخلی ایران دست یازید. دولت آبادی در این باره می‌نویسد:

"وزیرمختار جدید از پشت میز کارش در سفارت انگلیس به تمام کارهای کشور مداخله می‌کرد و صریح و بی‌پروا به رجال ایرانی می‌گفت: "حرف زیادی را باید موقوف کنید و هر آنچه را که می‌گوییم بی‌کم و کاست به کار ببندید."... (۲) طرحی که انگلستان برای استقرار نظام مستشاری در ایران تهیه کرده بود و کاکس مأمور انجام آن بود، در قالب قراردادی سیاسی، نظامی و اقتصادی بین ایران و انگلستان طراحی شده بود که به مناسبت سال میلادی امضای آن به قرارداد ۱۹۱۹ معروف شد.

نطفه قرارداد معروف به ۱۹۱۹، در دورانی که لرد کرزن کفالت وزارت خارجه انگلستان را عهده‌دار بود، منعقد شد. وی با همکاری کاکس، وزیر مختار انگلیس در تهران، سه تن از سیاستمداران ایرانی را با خود همراه ساخت. سه سیاستمدار ایرانی، یعنی احمد وثوق‌الدوله، علیاکبر صارم‌الدوله و نصرت‌الدوله فیروز که "مثلت حاکم" لقب گرفتند، تلاش‌های خود را برای انعقاد قرارداد دو جانبه بین ایران و انگلیس به کار بستند. طرح قرارداد پس از مدت‌ها کشمکش بین سیاستمداران و کارگزاران سیاست خارجی بریتانیا، نهایتاً تهیه و در مرداد ۱۲۹۸ به امضا رسید.

گرچه تمام تمهیدات لازم برای اجرای موفق قرارداد موسوم به ۱۹۱۹ تهیه شده و پیش‌بینی‌های مورد نیاز به عمل آمده بود. اما در این میان اتفاقاتی در داخل و خارج از کشور به وقوع پیوست که راه کرزن را برای استقرار نظام مستشاری در ایران دشوار ساخت. از جمله رخدادهایی که در رابطه با قرارداد رخ داد، واکنش و مخالفت شدید دولت‌ها و قدرتهای خارجی نظیر فرانسه، آمریکا و روسیه بود. این واکنش‌ها بود که اهداف پشت پرده قرارداد را برملا نمود. دول مذکور آشکارا با تحت‌الحمایه سازی ایران از سوی

علاوه بر کانونهای مخالفت در خارج از کشور در داخل نیز شور هیجان شدیدی در مخالفت و مبارزه با قرارداد به پا خاست. سیاستمداران و وطنپرست ایرانی که اکنون با قراردادی رو در رو شده بودند که عملاً استقلال کشور را از بین برده و نظامی وابسته به انگلیس به روی کار میآورد مواضع تندی در مخالفت با آن اتخاذ نمودند.

از مهمترین مخالفان داخلی قرارداد ۱۹۱۹ میلادی به عبدالله مستوفی، میرزاده عشقی و بویژه آیت الله سید حسن مدرس اشاره کرد. مستوفی در واکنش به دفاع وثوقالدوله، نخستوزیر وقت از قرارداد، نوشت: "شاید تصور کرده اید که ایران چیز دیگری هم داشته است که شما به انگلیسیها بخشیده باشید... عبث تشویش نکنید. همین اندازه خدمتی که به انگلیسیها کردهاید، آنها را مالک همه چیز ایرانیان نموده و میتوانید مطمئن باشید که - به قول روزنامه مضحکه منطبعه پاریس - مملکت ایران را به پنجان سانتیم [یک عباسی] به انگلیسیها فروختهاید. (۳) میرزاده عشقی، از دیگر مخالفان سرسخت قرارداد، قریحه شاعری خود را به کار گرفته، اشعار فراوانی در مخالفت با قرارداد سروده و منتشر ساخت. (۴)

اما مهمترین مخالف قرارداد در داخل کشور آیتالله مدرس بود. (۵) مخالفت مدرس دامنه گستردهتری را در بر داشت و تأثیر فراوانی بر جای نهاد چرا که به گفته مورخالدوله سپهر "مدرس در این تاریخ، قدرت و محبوبیت عجیبی در ایران داشت و کلامش مثل وحی منزل مورد قبول و احترام قاطبه ملت بود." (۶) مخالفتهای گسترده داخلی و خارجی مانع از آن شد تا احمدشاه (که در آن زمان در انگلیس به سر میبرد) تن به امضای قرارداد دردهد. وی با صرافت نقشه عاقدین قرارداد را خنثی کرد. توضیح اینکه عوامل دست اندر کار قرارداد در نظر داشتند با تأییدی که از احمدشاه میگرفتند در غیاب مجلس شورای ملی وجهههای قانونی به آن داده و دست به کار اجرای مفاد آن شوند. اما احمدشاه اظهار داشت که وی پادشاه دولت مشروطه بوده و بر اساس قانون اساسی فاقد مسئولیت میباشد. لذا از لحاظ قانونی اجازه امضای چنین قراردادی را ندارد و همه مسئولیت به دوش مجلس شورای ملی است. (۷)

پس از عدم موفقیت طراحان قرارداد در ستاندن تأیید احمدشاه، تمام تلاش آنها به برگزاری انتخابات دوره چهارم مجلس شورای

ملی معطوف شد. آنان در نظر داشتند با دخالت‌هایی که در انتخابات به عمل خواهند آورد، مجلسی طرفدار قرارداد تشکیل و از طریق مجلس طرح خود را عملی نمایند. هر چند تلاش‌هایی برای برگزاری انتخابات انجام شد و حتی در برخی از ایالات انتخابات برگزار و نمایندگانی که بعدها به "وکلاي قراردادی" مشهور شدند، انتخاب شدند. اما مجلس مورد نظر هیچ گاه تشکیل نشد. لذا طرح قرارداد و به تبع آن استقرار نظام مستشاری در ایران ناکام ماند. ^۱

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۰۷۲۶/قرارداد-۱۹۱۹-ترکمانچای>